روزنه

پیش‌بینی یک اصلاح‌طلب از رئیس آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام

محسن رهامی: به احتمال زیاد این جایگاه به آیت‌الله آملی‌لاریجانی واگذار می‌شود

● **شرق:** بعد از گذشت دو سال از درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، دوباره گمانه‌زنی‌ها برای ریاست آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد. محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی درباره انتخاب ریاست جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته است: درباره ریاست مجمع رهبر معظم انقلاب باید تصمیم بگیرند. محمدجواد ایروانی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم گفته است: همان‌طور که مستحضر هستید، در ماه‌های اخیر که آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی شرایط جسمانی مناسبی نداشتند، آیت‌الله موحدی‌کرمانی، ریاست جلسات مجمع را عهده‌دار بودند. از این پس نیز تا مشخص‌شدن رئیس جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی مقام معظم رهبری، آیت‌الله موحدی ریاست جلسات را برعهده خواهد داشت.

محسن رهامی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، اما احتمال داده است که آیت‌الله آملی‌لاریجانی رئیس مجمع شود. دوره ۱۰ ساله ریاست او بر قوه قضائیه تابستان سال آینده به پایان می‌رسد و احتمالا تا آن زمان مجمع از سوی نایب‌رئیس اداره شود. دو سال پیش هم تا زمان انتخاب رئیس جدید بعد از فوت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، مجمع را آیت‌الله موحدی‌کرمانی اداره می‌کرد. رهامی به ایلنا گفته است: اگر مقام معظم رهبری نخواهند آقای روحانی را در جایگاه ریاست مجمع نصب کنند، به احتمال زیاد این جایگاه را به آیت الله صادق آملی‌لاریجانی واگذار خواهند کرد. پس با توجه به شرایطی که عرض کردم و با توجه به آن ارتباطات و جایگاه، نام‌برده یکی از محتمل‌ترین افراد برای تصدی جایگاه ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

محسن رهامی گفته است: در قانون اساسی هیچ ویژگی خاصی برای ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام ذکر نشده و این موضوع به نظر مقام معظم رهبری واگذار شده است. بااین‌حال ریاست این جایگاه به سبب حضور جمعی از شیوخ، بزرگان نظام و مسئولان باسابقه کشور در مجمع، علی‌القاعده باید به کسی واگذار شود که به‌لحاظ شیخوخیت، ریش‌سفیدی و سوابق مسئولیت‌ها، امتیازاتی نسبت به سایرین داشته باشد. بعد از فوت آیت‌الله هاشمی این مسئله که رئیس‌جمهور هم‌زمان رئیس مجمع تشخیص هم باشد به یک قاعده تبدیل نشد و مقام معظم رهبری ریاست مجمع را در این برهه به آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی واگذار کردند. آیت‌الله شاهرودی هم به پشتوانه سابقه ۱۰ سال ریاست قوه قضائیه و داشتن درجه اجتهاد و اینکه قبلا از طرف رهبری به‌عنوان ریاست شورای حل اختلاف سه قوه، تعیین شده بودند، در این جایگاه قرار گرفتند.

عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها گفته است: درحال‌حاضر این مسئله جدی مطرح است که چه کسی در میان مقام‌های عالی‌رتبه نظام دارای چنین جایگاهی است؟ در این شرایط به نظر می‌رسد اگر آن قاعده که در زمان آیت‌الله هاشمی وجود داشت و ایشان به‌عنوان رئیس‌جمهور هم‌زمان ریاست مجمع را برعهده گرفتند رعایت شود، علی‌القاعده آقای روحانی می‌تواند در جایگاه رئیس مجمع هم قرار بگیرد و با توجه به سوابق وی در شورای‌عالی امنیت ملی، چند دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ریاست قوه مجریه، یکی از افراد مناسب برای این مسئولیت است.

رهامی گفته است: بنده فکر می‌کنم اگر مقام معظم رهبری نخواهند آقای روحانی را در آن جایگاه نصب کنند، به احتمال زیاد این جایگاه را به آقای صادق لاریجانی واگذار خواهند کرد. پس با توجه به شرایطی که عرض کردم و با توجه به آن ارتباطات و جایگاه، نام‌برده یکی از محتمل‌ترین افراد برای تصدی جایگاه ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

سیدرضا اکرمی هم پیش از این در پاسخ به سؤالی مبنی‌بر اینکه آینده جایگاه ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام به کجا ختم خواهد شد، گفت: به نظر من خوب است که به اصل قانون اساسی در مورد مجمع تشخیص مصلحت نظام توجه شود که جایگاه مهمی دارد و حل اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان بالاخره کاری بسیار سنگین است و باید کسی که مسئولیت مجمع تشخیص را می‌پذیرد نگاهی وسیع و جامع داشته باشد. کسی که می‌خواهد ریاست مجمع را برعهده بگیرد باید عالم به زمان و نسبت به حوادثی که در زمان و جهان می‌گذرد اشراف داشته باشد که گاهی بین خوب و بد، بین خوب و خوب‌تر و در نهایت بین بد و بدتر بتواند به مجمع خط دهد و راهنمایی کند. او در پاسخ به این سؤال که آیا تاکنون نام شخصی هم برای ریاست مجمع تشخیص مصلحت مطرح شده است، گفت: رئیس مجمع را مقام معظم رهبری انتخاب می‌کند. انتخاب ریاست مجمع با رأی و امثال این کارها نیست، اگر کسی هم شخصی را مدنظر دارد باید به رهبری پیشنهاد بدهد. انتخاب ریاست مجمع در اختیار مجمع هم نیست. اکرمی در واکنش به گمانه‌زنی‌هایی که در فضای مجازی درباره انتخاب ریاست مجمع صورت می‌پذیرد، گفت: این قصه اصلا مربوط به مردم و افراد و حتی خود اعضای مجمع هم نیست، این مشخصا مربوط به رهبری است و ریاست آن را رهبری باید تعیین کنند.

بازخوانی محسن آرمین از پرونده مرگ زهرا کاظمی

هر اتفاقی افتاد در حضور مرتضوی افتاد

۱۵ سال گذشته است، اما ماجرای مرگ زهرا کاظمی هنوز هم ابعاد ناپیدایی دارد. گذر این سال‌ها نه از نقش سعید مرتضوی در مرگ او پرده برداشت و نه خسارت‌های وارده به عرصه سیاست خارجی را جبران کرد؛ این پرونده چنان هزینه سنگینی به کشور وارد کرد که هنوز هم از پس پرداخت آن برنیامده‌ایم. مسئله فقط تخریب روابط ایران و کانادا نبود؛ دردسر اصلی فعالیت‌های این کشور به عنوان یک نیروی فعال در صحنه بین‌الملل علیه ایران بود. مصداق این مدعا آن است که پیمانه هسته‌ای، نخستین زن دیپلمات ایرانی که در سال‌های ۸۲ تا ۸۶ در نیویورک عضو کمیته سوم پیگیری مسائل حقوق بشری بود، در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «گفت‌وگوهای حقوق بشری با اروپا ادامه داشت تا زمانی که اتفاق ناگوار مرگ خانم زهرا کاظمی رخ داد. دراین‌باره پاسخ‌گویی ایران به اروپا و نهادهای مدنی به تأخیر افتاد. قوه قضائیه و دولت باید پاسخ می‌دادند که چه اتفاقی افتاده است. این سوءمدیریت موجب ملاحظاتی جدی در این زمینه شد. کانادا تصمیم گرفت بعد از دو، سه سال علیه ما قطع‌نامه صادر کند».محسن آرمین، نایب‌رئیس مجلس ششم که در گفت‌وگو با ایرنا به بازخوانی پرونده مرگ زهرا کاظمی پرداخته نیز با اشاره به اینکه «تازه‌ترین اقدام کانادا پیشنهاد قطع‌نامه نقض حقوق بشر علیه ایران بود که به تصویب رسید» معتقد است که این هزینه را سعید مرتضوی بر کشور تحمیل کرده است.

در فاصله دستگیری و مرگ مغزی

ماجرای مرگ مغزی و شیء سختی که با سرش برخورد کرد، بارها بیان شده است، اما آرمین در این گفت‌وگو حرف‌های تازه‌ای می‌زند. او گفته است: «می‌گویند بعد از دستگیری بلافاصله ضربه مغزی شده است که نمی‌تواند این‌طور باشد. چون فاصله بین دستگیری تا مرگ مغزی او زیاد بوده است. البته ظاهرا هنگام دستگیری وقتی به محوطه زندان اوین منتقل می‌شود، همچنان اعتراض می‌کرده است و می‌گویند در همین درگیری زمین می‌خورد. خانم کاظمی از نظر جسمی هم قوی بوده و مقاومت می‌کرده است. تا موقعی که به کما می‌رود حدود دو روز طول می‌کشد؛ یعنی این ضربه احتمالا مربوط به دقایق اول دستگیری نیست. تا آنجا که من می‌دانم هیچ تحقیقی هم درباره این ادعا صورت نگرفت».به گفته او: «در اولین بازجویی‌ها مشخص می‌شود که زهرا کاظمی در تهران با کسی دوست است و ارتباط دارد که همسرش یک نسبت دوری با آقای بهزاد نبوی دارد. ما از ذهن آقای مرتضوی خبر نداریم، اما احتمالا ایشان که خیلی به اصلاح‌طلبان لطف داشتند، با اطلاع از این مطلب احساس می‌کرده یک سوژه مناسبی علیه اصلاح‌طلبان به دست آورده است. شاید تصور می‌شد با متهم‌کردن زهرا کاظمی به جاسوسی، این پرونده ظرفیت آن را دارد تا با اعتراف علیه این یا آن چهره اصلاح‌طلب پیش برود».

او ادامه داد: «ایشان شب دستگیری چهار ساعت پشت درهای بسته مورد بازجویی قرار می‌گیرد. این بازجویی ظاهرا تا ساعاتی پس از نیمه‌شب طول می‌کشد. آقای مرتضوی هم در این بازجویی حضور داشته است. هیچ‌کس از محتوا و اتفاقات آن شب و اینکه در آن جلسه چه گذشته است، خبری ندارد. منتها براساس گزارش‌هایی که در همان زمان دریافت کردم، بعد از بازجویی خانم کاظمی وقتی به نیروی انتظامی تحویل داده می‌شود هم بینی‌اش ضربه خورده بوده است هم انگشتانش. تا آنجا که یادم هست، ظاهرا بازجویان نیروی انتظامی از او می‌خواهند که این موارد را در بازجویی خود بنویسد و او نیز می‌نویسد. این موارد باید در پرونده زهرا کاظمی موجود باشد».

نکته

زهرا کاظمی شب دستگیری چهار ساعت پشت درهای بسته مورد بازجویی قرار می‌گیرد. این بازجویی ظاهرا تا ساعاتی پس از نیمه‌شب طول می‌کشد. آقای مرتضوی هم در این بازجویی حضور داشته است

مخابره یک خبر دستوری

روایت آرمین این‌طور ادامه می‌یابد: «مرتضوی از وزارت اطلاعات می‌خواهد که متهم را تحویل بگیرند. وزارت اطلاعات می‌گوید ما او را جاسوس نمی‌دانیم. ایشان را به هتلش بفرستید. آنجا اگر قرار باشد از ایشان بازجویی می‌کنیم؛ بنابراین خانم کاظمی تحویل نیروی انتظامی می‌شود. در نیروی انتظامی ایشان می‌گوید که مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته است و آن را مکتوب هم می‌کند. مرحله بعد مرتضوی به وزارت اطلاعات دستور می‌دهد شما باید خانم کاظمی را تحویل بگیرید، اما وزارت اطلاعات قبول نمی‌کند. مرتضوی تهدید می‌کند و وزارت اطلاعات هم بالاجبار زهرا کاظمی را تحویل می‌گیرد. او در سلول وزارت اظهار سردرد و تهوع می‌گیرد. او را به بهداری می‌برند، اما نمی‌توانند بفهمند مشکل چیست؛ فکر می‌کنند مشکل معده دارد. چون بهداری زندان امکانات زیادی ندارد. بعد حال خانم کاظمی وخیم می‌شود. وقتی او را به بیمارستان خاتم‌الانبیا می‌برند دیگر به کما می‌رود».به گفته نایب‌رئیس مجلس ششم: «چند روز بعد مرتضوی به خانواده‌اش می‌گوید ما کاری به دخترتان نداریم بیایید او را ببرید. خانواده‌اش به بیمارستان مراجعه می‌کنند و می‌بینند دخترشان مدتی است مرگ مغزی است».او در پاسخ به این پرسش مبنی بر اینکه یکی از رسانه‌های داخلی نوشته بود که زهرا کاظمی حدود ۱۵ روز با دستگاه زنده نگه داشته شده بود، گفت: «بله. ایشان را زیر دستگاه زنده نگه داشته شده بود. خانم کاظمی ورزشکار بوده است. وقتی به سرش ضربه می‌خورد، شکستگی کوچکی در جمجمه‌اش ایجاد می‌شود؛ ولی خودش متوجه نمی‌شود. البته ظاهرا آقای مرتضوی نمی‌دانسته چطور باید مشکل پیش‌آمده را حل کند؛ بنابراین همچنان زیر دستگاه می‌ماند تا راهی پیدا شود. پس از گذشت یکی، دو هفته از مرگ مغزی زهرا کاظمی، آقای مرتضوی آقای خوشوقت، مدیرکل وقت مطبوعات خارجی وزارت ارشاد را احضار و مجبور می‌کند که اطلاعیه‌ای نادرست را بنویسد و از همان دفتر مرتضوی مخابره کند. او همچنین خبرگزاری ایرنا را تحت فشار می‌گذارد که خبر کذب را مخابره کند».

هشدار از تریبون مجلس

آرمین که در همان زمان مرگ زهرا کاظمی نیز از تریبون خود در مجلس بهره برده و اظهارات درخورتوجهی درباره این خبرهای تحت تأثیر دستورات او کرده بود. آرمین در بخشی از نطق خود آورده بود: «قاضی مرتضوی باید پاسخ دهد که چرا زهرا کاظمی را بازداشت کرده و به چه استنادی آن را متهم به جاسوسی کرده است؟ به رئیس‌جمهور عرض می‌کنم اینکه هیئت منصوب شما اگر گزارش دهند که علت مرگ این خبرنگار مرگ مغزی بوده، کافی است؛ اما باید معلوم شود که چرا مرتضوی مدیر کل دولت شما را ساعت‌ها احضار و موظف به مصاحبه می‌کند؟ چرا قاضی مرتضوی پس از شنیدن خبر درگذشت متهم برای شناسایی عاملان احتمالی مرگ او دستور به بازجویی و دستگیری بازجویان نمی‌دهند؟».این فعال سیاسی اصلاح‌طلب بعد از گذشت سال‌ها هنوز هم یقین دارد که هرچه اتفاق افتاد، زیر سر مرتضوی بوده است. او در گفت‌وگوی اخیر خود تأکید کرد: «به گمان بنده هر اتفاقی افتاده، در حضور آقای مرتضوی افتاده است یا او می‌داند که چه اتفاقی برای زهرا کاظمی رخ داده است؛ زیرا اگر او خود بخشی از ماجرا نبود، نمی‌توانست چشمش را روی مرگ مغزی زهرا کاظمی ببندد. این پرسش در آن پرونده همچنان بی‌پاسخ مانده است که چرا آقای مرتضوی به جای پیگیری جنایتی که رخ داده، کوشیده است حقیقت را پنهان و چنین وانمود کند که او بر اثر مننژیت مغزی فوت کرده است».

او درباره دست‌کاری در دفتر ثبت وقایع اظهار کرد: «متأسفانه گزارش‌هایی که آن زمان دریافت می‌کردم، این موضوع (دست‌کاری در ثبت وقایع زندان) را تأیید می‌کرد. مطابق آن گزارش‌ها حتی تیم نگهبانانی که آن روز در محوطه زندان اوین بودند، همگی عوض شدند تا پیگیری و بازپرسی از ناظران و شاهدان منتفی شود و مشخص نشود از وقتی زهرا کاظمی به زندان آورده شده، چه رخ داده است».آرمین البته موضوع تجاوز به زهرا کاظمی را که از سوی یکی از رسانه‌های آن سو مدعی شده بود، رد کرد و گفت: «این ادعای کذبی است».آرمین در ادامه انتقادات خود به سعید مرتضوی گفت: «ایشان دادستان و قاضی نبود. خود را فعال مایشا می‌دانست و فکر می‌کرد هر کاری می‌تواند بکند. البته تا حدودی حق هم داشت. او در حالی مرتکب این قانون‌شکنی‌ها می‌شد که در دادگاه انتظامی قضات پرونده داشت و محکوم هم شده بود. آن موقع آقای آل‌اسحاق، رئیس دادگاه انتظامی قضات، به من گفت: «آقای مرتضوی اینجا پرونده محکومیت دارد».

سخنگوی شورای نگهبان بارها از عبارت رد صلاحیت استفاده کرده است

کدخدایی: واژه‌ای به اسم رد صلاحیت نداریم

ادامه از صفحه اول

شورای نگهبان بررسی صلاحیت‌هایی را که انجام می‌دهد، منجر به این می‌شود که افرادی تأیید صلاحیت و اشخاصی رد صلاحیت می‌شوند. گاهی اوقات افراد گمنام هستند و ما آنها را احراز نمی‌کنیم، چون شرایطی را که قانون معین کرده احراز نکرده‌ایم و این افراد نیز در زمره ردصلاحیت‌شده‌ها هستند. یک بار دیگر هم گفته بود: «واژه رد یا تأیید صلاحیت آن‌طورکه در افکار عموم و رسانه‌ها مطرح شده، اشتباه بوده یعنی رد صلاحیت به آن مفهومی که در انتخابات مجلس است، در انتخابات ریاست‌جمهوری وجود ندارد». او در آخرین گفت‌وگوی خود با روزنامه کارگزاران هم باز به این تفکیک اشاره کرده بود؛ همان گفت‌وگویی که واکنش دختر مرحوم هاشمی رفسنجانی را در پی داشت. کدخدایی گفته بود: «اصلا ما در انتخابات ریاست‌جمهوری رد صلاحیت نداریم. پس با جرئت می‌گویم که مرحوم هاشمی اصلا رد صلاحیت نشدند». تأکید او بر«انتخابات ریاست جمهوری» یعنی اینکه در «انتخابات مجلس» بحث ردصلاحیت وجود دارد. اما او در آخرین اظهار نظر خود حتی این را هم تکذیب می‌کند. فائزه هاشمی در واکنش به همین اظهار نظر کدخدایی گفته است: «احراز عدم صلاحیت در گذشته وجود داشته ولی چند سال است که مسیر عوض شده و باید این نهاد ثابت کند که کسی صلاحیت ندارد، نه اینکه خود کاندیدا ثابت کند صلاحیت دارد. در آن مقطع که بحث انتخابات ۹۲ مطرح بود، از آقایان لاریجانی و روحانی خواسته شد تا با آقای هاشمی راجع به انصراف از کاندیداتوری صحبت کنند که خوشبختانه بابا انصراف نداد و منتظر ماند تا آنها رد صلاحیتش کنند».

ردصلاحیت یعنی محرومیت از حقوق شهروندی

قانون‌گذار هفت شرط ایجابی و سلبی را برای نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته و گفته است مجریان و ناظران مکلف‌اند صلاحیت نامزدها را براساس این شرایط احراز کنند. ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی هفت شرط را برای انتخاب‌شوندگان در هنگام ثبت‌نام قید کرده که به این شرح است: «اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه، داشتن حداقل مدرک کارشناسی‌ارشد و یا معادل آن، نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه، سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی و حداقل سن ۳۰ سال تمام و حداکثر ۷۵ سال تمام». مجریان و ناظران در بررسی صلاحیت‌ها مکلف‌اند به کسانی اجازه دهند که وارد گردونه انتخابات شوند که مشخص شود آنان به شرایط اعلام‌شده پایبند هستند و آن شرایط را دارند. رد صلاحیت، به این معناست که مسئولان مربوط علم قطعی و یقینی بر فقدان شرایط موضوع ماده ۲۸ در فرد داوطلب کسب کرده باشند که در این صورت فرد حق شرکت در انتخابات به عنوان نامزد انتخاباتی را نخواهد داشت. به اعتقاد برخی حقوق‌دان‌ها رد صلاحیت به این معنی محرومت شهروند از یک حق شهروندی است. حجت‌الاسلام دکتر سیدحسین هاشمی، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید پیش‌ازاین در یک برنامه تلویزیونی نامزدی در انتخابات را از نظر حقوقی یک حق دانسته و گفته بود: «درحالی‌که اصل را باید بر برائت و حق برخورداری از حقوق اجتماعی بدانیم، کسانی که در زمره عدم احراز صلاحیت‌ها قرار گرفته‌اند هم باید در صف تأییدصلاحیت‌شده‌ها در نظر گرفته شوند». هاشمی این سؤال را مطرح کرده بود که وقتی شورای نگهبان از نهادهای امنیتی و قضائی استعلام می‌گیرد، آیا درست است که نامزدها را در زمره عدم احراز صلاحیت‌ها اعلام کند؟ هاشمی توضیح داده بود: «چون بحث برداشت ذهنی است، باید عدم احراز صلاحیت‌ها را هم به نفع نامزدهای انتخابات احراز کرد و نه به ضرر آنها. حق برخورداری از حقوق شهروندی ازجمله حقوق مردم است و محرومیت از حقوق اولیه نیاز به اثبات ندارد. یکی از خلأهای قانونی این است که نهادی که نامزدهای رد صلاحیت شده می‌توانند به آن اعتراض کنند، نباید نهادی باشد که زیر نظر هیئت‌های نظارت است بلکه باید نهادی مستقل به این اعتراض‌ها رسیدگی کند». برای همین معتقدند که عدم احراز صلاحیت به معنای رد صلاحیت نامزدها نیست بلکه این مسئله به معنای آن است که صلاحیت‌ها در برخی نامزدها احراز نشده است. عدم احراز وجود صلاحیت، به این معناست که ناظران علی‌رغم انجام تحقیقات گسترده سلبا و اثباتا نتوانسته‌اند در خصوص شرایط موضوع ماده ۲۸ علم قطعی کسب نمایند. در این حالت ازآنجایی‌که احراز صلاحیت و شایستگی افراد برای شرکت در انتخابات منوط به احراز و تعیین اوصاف مذکور در فرد است، داوطلب مذکور تأیید صلاحیت نخواهد شد.

واااا...م

بدون ضامن، یک روزه

بانک اقتصادنوین
EN BANK IRIRAN'S FIRST PRIVATE BANK
باهم، برای هم

با سپرده گذاری سودآور طرح کوشان
بدون ضامن، همین امروز وام بگیرید

۰۲۱-۴۸۰۳۱۰۰۰
www.enbank.ir
به شعب مراجعه فرمایید
eghtesadnovinbank
eghtesadnovin_bank

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **کارتن‌خوابان را دریابید!** عده‌ای پولدارها شب‌ها بدون هیچ فکر و خیال روی تشک‌های پر قو می‌خوابند، برخی‌ها هم به علت نداری، کارتن‌خواب‌اند! کارتن‌خواب‌ها یا بی‌خانمان‌ها بیشتر شب‌ها در حاشیه پیاده‌روها، پارک‌ها و به‌ویژه در میدان قیام، پارک کوثر و دروازه‌غار شب‌های سرد پاییز از سرما می‌لرزند و شب را به‌سختی به صبح می‌رسانند. مسئول جمع‌آوری و ساماندهی آنها چه کسی‌است؟

یک مخاطب

● **مترو مشکل را رفع کند:** روابط‌عمومی شرکت بهره‌برداری مترو در پاسخ‌گویی به مطالبی که در مطبوعات چاپ می‌شود، گوی سبقت را از سایر روابط‌عمومی‌ها ربوده است که جای قدردانی دارد. اما در پاسخ آن روابط‌عمومی که در تاریخ پنج دی در صفحه سه روزنامه «شرق» درباره ایستگاه متروی شهید حقانی، دری که به پایانه اتوبوس‌رانی شرکت واحد راه دارد، چاپ شد، متأسفانه مسئولان شرکت‌هایی که نام برده شدند، در دسترس نیستند و این مسئله باعث شده محل ورود و خروج مسافران کثیف، غیرایمن و به‌ویژه هنگام بارندگی آب جمع می‌شود و اخیرا هم تعدادی بلوک سیمانی گذاشته‌اند تا موقع آبگرفتگی مردم از روی آن عبور کنند! با عبور از روی بلوک‌های سیمانی، آب به دیگران می‌پاشد و خود مشکل‌ساز شده است. به نظر می‌رسد مسئولان شهرداری منطقه سه و شرکت بهره‌برداری مترو برای رفع مشکلات ایجادشده باید با توافق و همکاری مسالمت‌آمیز اقدام کنند و مسافران مترو و اتوبوس‌های شرکت واحد را دریابند.

علی از مسافران دائمی خط یک مترو

● **میدان شمشیری و بهداشت فراموش‌شده:** بیشتر کاسبان به‌ویژه مرغ و ماهی‌فروشان و قصابی‌ها در میدان شمشیری تهران بهداشت را رعایت نمی‌کنند. نبود نظارت موجب سوءاستفاده کاسبان محل شده است. از مسئولان ذی‌ربط انتظار می‌رود با نظارت مستمر از تخلف‌های واحدهای صنفی جلوگیری کنند.

محسن شربتی از تهران